

زمینه های اعتقادی و معرفت دینی در پاسداشت محیط زیست انسانی

محمد جواد زینی وند^۱

محمود قیوم زاده^۲

چکیده

تحولات اجتماعی و صنعتی در جوامع مختلف، دگرگونی ها و مسائل جدیدی را در پی داشته و مباحث جدیدی را برانگیخته و حتی دسته جدیدی از جرائم را مطرح نموده است؛ که در این راستا، می توان از جرائم زیست محیطی به عنوان یکی از اشکال نوین بزهکاری یاد کرد.

اگر چه بشر از ابتدا به اهمیت و احترام محیط زیست توجه داشته است اما با پیشرفت علم و فناوری، انسان طبیعت را مقهور خویش ساخت و با تغییری بنیادین در نگرش به محیط زیست، راه تسلط و بهره کشی روز افزون از طبیعت هموار گردید. پس از انقلاب صنعتی و با بروز مشکلات و معضلاتی که معلول استفاده از تکنولوژی است؛ محیط زیست به طور گسترده ای مورد توجه واقع شد؛ تا آنجا که حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن یکی از مهمترین مسائل اواخر قرن بیستم به شمار می آید. اما نکته قابل تأمل و پرسش اصلی اینکه؛ حمایت از محیط زیست در نگرش دینی و آموزه های اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟.

واژگان کلیدی

محیط زیست، آموزه های دینی، احادیث، آیات قرآن، قواعد فقهی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: M.j.zeinivand@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱

طرح مسأله

اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و جامع‌نگر، مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات، اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد. یکی از همین موضوعات محیط زیست است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» یعنی: ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم و در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست.

امام صادق علیه‌السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است.

بر طبق این آیات و روایات، بخوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب، که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است.

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. از آنجا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم

خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آنها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ به طوری که می توان گفت در اسلام، جامع ترین دیدگاه و صحیح ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان شده است.

توجه به محیط زیست در شرایع الهی

در دین حنیف الهی که در طول تاریخ به منهج ها و شریعت های متنوع برای انبیا الهی تجلی می یافت، شناخت اصول زیست محیطی و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم سازی آن از بارزترین حقوق انسانی به شمار می آید.

به همین منظور، هم از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده، هم اگر چنین رخداد تلخی مشاهده شد، برای برطرف کردن آن، ترغیب و امر شد؛ چنان که امام جعفر صادق (ع) فرمود: «إن الله عزوجل إذا انعم علی عبدٍ نعمة أحب أن یری علیه اثرها، قیل: و کیف ذلک قال: ینظف ثوبه و یطیب ریحہ و یحسن داره و یکنس أفنیته»؛ یعنی خداوند عزوجل دوست دارد نعمتی که به بنده خود داده، اثر آن را در او ببیند. پرسیده شد چگونه؟ فرمود: هر فردی جامه خود را نظیف، خود را خوشبو، خانه خود را نیکو و پیشگاه منزل خود را رفت و رو کند.^۱

دیدگاه قرآن کریم

با نگاهی به متون دینی و از جمله قرآن کریم می توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آنها اشاره می کنیم.

بند اول: حق همگانی بودن محیط زیست

این دسته از آیات بیان می کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان

۱. آیه الله جوادی آملی، حجت الاسلام عباس رحیمیان، نشر اسراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶، صص ۸۵-۸۴

آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسانها در همه زمانها وجود دارد.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» یعنی: و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمانها می‌داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها در همه دوره‌ها صورت پذیرد.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشًا» یعنی: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم. این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد.

بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسلهای آینده حفظ شود.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.

بند دوم: تاکید بر اهمیت انسان ها

در دسته ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تاکید می کند.

در سوره نحل خداوند می فرماید: «وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آنها گرما (جامه های گرم) و سودهای دیگر فراهم می آید و از آنها می خورید. در همین سوره خداوند همچنین می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» یعنی: اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می آشامید و بدان درخت و گیاه می روید، که در آن (رویده ها)، دامهای خود را می چرانید. و در آیه بعد می فرمایند: «يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الرِّيَّثُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درخت های زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می رویاند.

در سوره نمل نیز خداوند می فرماید: «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان هایی شادی انگیز رویانیدیم.

این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسان هاست و همه انسان ها حق دارند از این الطاف الهی بهره مند شوند و هیچ کس نمی تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند. تعبیراتی نظیر: «لکم = برای شما»، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمتها، برای همه مردم و حق همه آنهاست. صرف نظر از هر گونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... - و همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

تاکید بر مسخر بودن محیط زیست در آیات قرآن

دسته ای از آیات قرآن هستند که در آنها از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسان ها به کار رفته است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه ها و دره ها، جنگل ها و سبزه زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در

خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد.

در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین.

برای این که حق انسان در استفاده و بهره‌برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...» یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت

و در جای دیگر اشاره می‌کند: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، مطیع شما کرد.

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ...» یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخر شما ساخت.

استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات می‌فرماید: «در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه‌ها، باد و هر چه در آسمان و زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند.»

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسان‌ها در همه دوران‌هاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکاناتی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره‌ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می‌خواهد، اما زیاده‌روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به گونه‌ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره‌های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است.

با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه‌ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمتها وسیله‌اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان‌گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان‌پذیر نخواهد بود.

دین و حمایت از محیط زیست در جهان معاصر

با نگاهی گذرا به تاریخ ادیان، احترام فراوان و حتی گاهی سرسپردگی و پرستش مظاهر طبیعت در ادوار مختلف، به روشنی مشاهده می‌شود. از حدود سی سال پیش با اوج گیری معضلات و مباحث زیست محیطی و احساس نیاز به تقویت عوامل فرهنگی به عنوان ابزاری کارآمد، بحث‌های مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی

مورد توجه قرار گرفت و در کنار اقدامات و حمایت‌های حقوقی مطرح گردید. در این خصوص کنفرانس‌های متعددی جهت حل بحران‌های زیست محیطی با مشارکت و تقویت فرهنگی دینی برگزار گردیده است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به کنفرانس بین‌المللی مسکو (۱۹۹۰ م) با موضوع حل بحران‌های زیست محیطی از طریق پیوند علم و دین و همچنین کنفرانس‌های دانشگاه هاروارد بین سال‌های (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸) و سه کنفرانس آکادمی هنرها و علوم کمبریج، سازمان ملل و موزه تاریخ طبیعی در نیویورک که به جمع‌بندی نتایج ده کنفرانس هاروارد می‌پردازد، اشاره نمود. در تهران نیز کنفرانس بین‌المللی با عنوان «دین و دنیای معاصر» برگزار گردید و علمای ادیان مختلف به طرح پاره‌ای از دیدگاه‌های مربوط به محیط زیست و اخلاق زیست محیطی پرداختند و نقش ادیان در رابطه با این موضوع را مورد بررسی قرار دادند.^۱

در کشور ما علاوه بر صبغه فرهنگی، آموزه‌های دینی، پایه و اساس حقوق را تشکیل می‌دهد و موازین اسلامی زیربنا و مبنای نظام حقوقی می‌باشد و به موجب اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است از این رو نگرش نسبت به محیط زیست از منظر آیات قرآن و آموزه‌های اسلام به عنوان مبنای حقوقی و فرهنگی حائز اهمیت خواهد بود.

حمایت از محیط زیست در آموزه‌های اسلام

در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که «سیاست زیست محیطی» کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است؛ چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زرتشت و... احترام به طبیعت و همه‌ی

۱. رشاد، علی اکبر، (۱۳۸۱)، نقش دین در دنیای نو، دین و دنیای معاصر، تهران: انتشارات المهدی

عالم وجود، به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است.^۱ از آنجا که اسلام اصول و مبانی فراگیر و جامعی دارد از جمله این اصل که «خداوند در کره زمین عقل و خرد را به عنوان یک لزوم ذاتی به بشر عطا کرد، از این رو بشر اداره کننده در کره زمین است که باید از روی صداقت از آن نگهداری و حفاظت کند» (۷) وجه به این نکته نیز لازم است که موازین اسلامی جزئی از فرهنگ و زیربنای حقوق کشور ایران است؛ از این رو توجه به نگرش اسلام در خصوص مسائل زیست محیطی از بعد نظری و علمی حائز اهمیت است. در ادامه، حمایت از محیط زیست از منظر آموزه ها و مبانی اسلام و همچنین نقش حکومت اسلامی را در این راستا مورد بررسی قرار می دهیم.

دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست

هدف تعالیم اسلام ارائه سیستمی از ارزش هاست که ملحوظ داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. در این راستا رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و محیط تبیین می گردد. این سیستم در برگیرنده ی مباحث مربوط به محیط زیست، از جمله نحوه ی استفاده از منابع، نحوه ی ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم تر، نحوه ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آن ها بوده و نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است. آئین اسلام، حتی به حفظ محیط زیست در شرایط جنگی نیز توجه داشته و تخریب و انهدام محیط زیست، کشتار حیوانات اهلی، استعمال مواد سمی و شیمیایی و مانند آن در زمان جنگ منع کرده است.^۲

مبحث اول: آیات قرآن

آیات متعددی از قرآن کریم به مظاهر مختلف طبیعت با عنوان نشانه ها [آیات] یی از خداوند و جلوه ای از قدرت او می پردازد، حتی خداوند به آنها قسم یاد می کند و انسان

۱. کیس، الکساندر، (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی،

تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد ۱. ص ۷۰۸

۲. ضیائی، بیگدلی، محمدرضا، (تابستان ۱۳۷۵)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: گنج دانش، چاپ اول.

را به تدبر و تأمل در این آفرینش حکیمانه فرا می خواند. بحث از طبیعت و محیط زیست در آیات قرآن گسترده است اما عصاره و خلاصه کلام که می تواند به خوبی پیوستگی و ارتباط حکیمانه انسان با محیط را بیان نماید در این گفتار به نیکی متجلی می شود: خداوند متعال به صراحت می فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ (هود، ۶۱) او خدائی است که شما را از زمین بیافرید و آبادانیش را به شما وا گذاشت. و ضمن تأکید بر این که نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده، در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می کند. وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمْتُمْ مِنْكُمْ خَاصَّةً: و بترسید از بلایی که تنها دامنگیر ستمکاران نیست و همه را فرا می گیرد. (انفال، ۲۵) در جایی دیگر نیز پس از تجویز استفاده از رزق خداوندی، می فرماید: در روی زمین فتنه و فساد نکنید. وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...؛ (اعراف، ۵۶) و در روی زمین پس از آنکه کار آن نظم و اصلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید. طبیعی است که استفاده نابخردانه از مواهب طبیعت و زیاده روی در بهره برداری از آن، یا آلودگی محیط، از موارد فساد در روی زمین خواهد بود. بنابراین انسانی که خداوند او را جانشین خود معرفی می کند. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»؛ (بقره ، ۳۰) آن گاه که پروردگارت به فرشتگان فرموده من در زمین خلیفه ای (از شر) خواهم گماشت، می بایست جایگاه خود را باز شناسد و با خردورزی و شایستگی این وظیفه را به انجام رساند.

قرآن کریم در بسیاری از آیات انسانها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فرا خوانده است .

۱-آیه ۳۰ سوره انبیاء: «و جعلنا من السماء کل شیء حی» یعنی از آب همه چیز را زنده کردیم . پس گیاه و حیوان و انسان زندگیشان به آب بستگی دارد.

۲-آیه ۱۶۴ سوره بقره «و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها» یعنی خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده را به وسیله آب زنده کرد .

و همچنین آیه ۹۹ سوره انعام و آیه ۱۱ سوره انفال به بیان اهمیت آب پرداخته است. در واقع اگر اسلام از حفاظت عناصر اساسی در محیط زیست و حمایت آنها تأکید

دارد بخاطر خیر انسان و تامین ضروریات و حاجتهای انسان چه برای نسل حاضر و چه نسبت به نسلهای آینده است و انسان را متوجه حمایت و نگهداری از خود و محیط زیست خود می کند.^۱

مبحث دوم: احادیث

در احادیث نیز تأکید فراوانی بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست وجود دارد که تنها به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می نمایم. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) دین اسلام دین پاکیزگی معرفی و ضمن اینکه پاکیزگی دستور همگانی برای مردم تلقی شده، بهشت را نیز که مظهر پاکیزگی است، مختص به پاکیزگان دانسته است. درخت کاری، ایجاد فضای سبز و آب روان مورد تأکید آموزهای دینی قرار گرفته است و مسلمانان به این موارد تشویق شده اند بر اساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) سه چیز سبب روشنی چشم دانسته شده است: نگاه به فضای سبز، آب جاری و روی نیکو.

در جای دیگر آمده است: هر گاه نهالی در دست شما است و قیامت بر پا می شود در آن فرصت کوتاه آن نهال را بکارید. در روایت دیگر کاشتن درخت و جاری ساختن قنات و... در ردیف تعلیم دانش و ساختن مسجد شمرده شده است. رسول گرامی اسلام فرمودند سه گروه اند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می گیرند: کسانی که اماکن عمومی، سایبان ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند و کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند و امام صادق می فرماید: «خلق الله الماء طهوراً» خداوند آب را پاک و پاک کننده خلق کرده است.

الماء يطهر لا يطهر = آب هر چیزی را پاک می کند و با هیچ چیز پاک نشود.

اولین نکته در اینجا اینست که آب را بالطبع پاک و دارای خاصیت پاک کنندگی دانسته اند. اکتشافات جدید نیز کاملاً این نکته را تایید و ثابت می کنند که آب نه تنها جدا کننده آلودگی از محل خود و حل کننده آنها می باشد بلکه در اثر اعمال حیاتی و شیمیایی

۱. عظیم قوام، حمایت کفیری از محیط زیست، چاپ اول، (انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست) ص ۳.

حیوانات ذره بینی کلیه آلودگی های حاصل از مواد آلی را از بین می برد بدون آنکه از پاکی آن چیزی کاسته شود فقط زمانیکه در اثر فراوانی و غلبه مواد آلی یا فاسد شدن محیط حیوانات ذره بینی ناتوان گشته و اکسیژن مورد نظر به قدر کافی نرسد فساد فوراً شروع و بوی مخصوصی متصاعد می شود و شارع مقدس نیز وسیله تمیزی و غیر تمیزی آب را در همان تغییر حالت و به عبارت دیگر تولید بو و یا رنگ و طعم قرار داده. در مورد زمین و خاک امام صادق فرموده اند: جعل التراب طهوراً كما جعل الماء طهوراً خداوند خاک را پاک و پاک کننده قرار داده است. کما اینکه آب را پاک و پاک کننده قرار داده است کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند.^۱

مبحث سوم: دیدگاه فقهی

انسان، خواه متمدن و خواه غیر متمدن فرزند طبیعت است و اگر بخواهد بر طبیعت استیلا داشته و از آن بهره مستمر ببرد باید اعمالش را با ناموس خلقت و قوانین طبیعت تطبیق داده و بر اساس آن عمل نماید. قانون طبیعت یک حق همگانی است و تخریب آن، بر خلاف قوانین زیست محیطی است، روشن است که اقدام به تخریب محیط زیست، در واقع اقدامی بر خلاف حق، یعنی جنگیدن با حق است که بی شک بازنده این میدان انسان مخرب است. بنابراین لازم است با قانونی نمودن بهره برداری از منابع طبیعی، از تخریب و نابودی آن جلوگیری کرده و با آن برخورد قانونی شود؛ زیرا تخریب محیط زیست یکی از معضلات اجتماعی عصر حاضر است، که باعث شده تا چالش های فراوانی در همه عرصه ها به وجود آید، البته در اسلام راهکارهای فراوانی وجود دارد که می تواند این چالش ها را به فرصت تبدیل کرده که با معضلات و مقابله کند. در فقه نیز هم چند قاعده فقهی بر اهمیت این امر تاکید دارد که در ذیل بررسی می شود.

الف - قاعده لاضرر

در روزگار غیبت فقهای اسلام، با الهام و بهره وری از منابع و متون اسلامی، قواعد فقهی بسیاری را بیرون آورده و عرضه کرده اند قاعده هایی که گاه در یک باب و گاه در چند باب و گاه در سرتاسر فقه کاربرد دارند. قاعده هایی که به فقه

۱. حر، عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: احیاء التراث العربی، جلد ۱، ص ۳۲۵

نشاط و شادابی و پویایی می بخشند و فقیه را در پاسخ گویی به پرسش های نوپیدا یاری می رسانند. فرق اساسی قاعده ها و ترازهای فقهی با قاعده های اصولی در این است که: قاعده های فقهی خود احکامند، نه میانجی کشف احکام. هر چند بر مبنای آن فتوهای بسیاری از فقیه صادر می شود؛ اما قواعد اصولی واسطه و ابزار کشف حکم اند. تفاوت آن با دیگر احکام به این است که این قواعد فراگیرند، برخلاف دیگر احکام شرعی که به مورد روشن و شناخته شده ای اختصاص دارند و از برابر سازی قواعد بر نمونه ها و مصداقهای آن، می توان احکام شرعی بسیاری را به دست آورد. قواعد فقهی و دیگر احکام شرعی در بهره گیری از تراز و قاعده های اصولی یکسانند. قاعده های فقهی که در سرتاسر فقه بدان استناد می شود و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز، می تواند کارساز باشد، قاعده لاضرر است. اهمیت قاعده یاد شده به اندازه ای است که شماری از متفکران اسلامی، از آن به عنوان راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفتهای و توسعه فرهنگ یاد کرده اند، از باب نمونه شهید مطهری، می نویسد:

یکی دیگر از جهاتی که به این دین خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و آن را زنده و جاوید نگه می دارد، این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد (حاکمه) می نامند، مانند: قاعده (لا حرج) و قاعده: (لا ضرر) که بر سرتاسر فقه حکومت می کنند. کار این سلسله قواعد کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. در حقیقت اسلام برای این قاعده ها نسبت به سایر قوانین و مقررات خود حق (وتو) قائل شده است.^۱

قاعده لاضرر، از تراز و قاعده هایی است که از دیرباز فقهای اسلام از آن بحث کرده اند. در سده های اخیر، شماری از فقیهان، از جمله ملا احمد نراقی، میرفتاح مراغه ای، شیخ انصاری و دیگران رساله و یا کتابی مستقل را بدان ویژه ساخته اند. از باب نمونه: شیخ انصاری، افزون بر رساله مستقلی که در این باره نگاشته، در کتاب اصولی خود، از آن بحث کرده در لابه لای بحثهای فقهی خود، بارها به آن استناد جسته است. پس از شیخ انصاری، همچنان این بحث در کانون توجه آخوند خراسانی و دیگر فقیهان

۱. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۶۳)، قواعد فقه، انتشارات علوم اسلامی، تهران، چاپ اول، ص ۱۵۶.

اسلام بوده است. از فقهای معاصر، امام خمینی رساله ای را با نام (بدأع الدرر فی قاعده نفی الضرر) ویژه این موضوع کرده و در حاشیه بر کفایه) :انوار الهدایه(از این قاعده سخن گفته است.

این قاعده فقهی در زمینه محیط زیست می خواهد این را به ما بگوید که تخریب محیط زیست نشانه ضرر زدن به حقوق مردم است. بنابراین مطابق این قاعده انسان ها از ضرر زدن به آن منع شده اند.

ب- قاعده اتلاف

یکی دیگر از قواعدی که می توان به عنوان ملاک فقهی در حمایت از محیط زیست در نظر داشت قاعده اتلاف است. اتلاف از ریشه تلف به معنای نابود شدن و از بین رفتن است، مثل اینکه کسی دیوار دیگری را تخریب کند و یا فردی مال متعلق به دیگری را از بین ببرد. همچنین آن را به معنای از بین بردن از روی اسراف نیز معنا کرده اند و در صورتی می گویند: (اتلف فلان ماله اتلافاً) که از روی اسراف و زیاده روی باشد. بی تردید اتلاف محور ضمان است، بنابراین اگر کسی بیاید و محیط زیست را تلف کند ضامن است. اما آیا مقصود از آن اتلاف حقیقی است و یا حکمی را نیز شامل می شود؟ در این باره اختلاف است. قبل از جواب به این سؤال باید گفت که اتلاف حقیقی یعنی اینکه شخصی عین مال دیگری را از بین ببرد، به گونه ای که دیگر قابل انتفاع و استفاده نباشد، مانند: سوزاندن لباس، ویران کردن خانه ولی در اتلاف حکمی، خود مال وجود دارد و از بین نرفته، ولی ارزش و مالیت آن از بین رفته است، مثل اینکه یک یا چند قالب یخ رادر تابستان از کسی غصب کنند و سال بعد بدون کم و کاست همان را در زمستان به او تحویل دهند که در این مورد عین مال ثابت مانده، اما ارزش آن از بین رفته است.^۱ اتلاف حقیقی برخلاف اتلاف حکمی به سبب از بین بردن عین مال و یا تغییر و تحولی صورت می پذیرد که در اصل مال یا در صفات حقیقی و اعتباری آن واقع می شود، اما منشأ اتلاف حکمی اموری خارج از عین مال و اوصاف آن است، مانند بیع و نجس کردن چیزهایی که قابلیت تطهیر را ندارند و استفاده از آنها منوط به طهارت آنهاست. بسیاری از فقها قاعده

۱. محقق داماد، سید مصطفی، همان، ج ۱، ص ۶۱.

اتلاف را ویژه اتلاف حقیقی دانسته اند و اتلاف حکمی را داخل در قاعده ندانسته و گفته اند اتلاف مال چه به عبارت (من اتلف) باشد که فقها بر آن اتفاق و اجماع دارند یا به عبارت (حرمه مال المسلم کحرمه دمه) همان اتلاف حقیقی است. بنابراین ضمان در موردی که مالیت مال از بین رفته و خود مالی باقی باشد از این قاعده استفاده نمی شود و باید به دنبال دلیل دیگری گشت. بنابراین در موارد تلف حکمی قاعده اتلاف جاری نیست؛ زیرا حقیقتاً عنوان اتلاف صدق نمی کند. البته ضمان برای آن فرد ثابت است و انگهی به دلیل دیگری از قبیل آیه ۱۹۴ سوره بقره که می فرماید: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم». امام خمینی (ره) در این مورد معتقدند که در موارد اتلاف حکمی نیز اتلاف جاری می شود، بدین توضیح که اگر عین مالی که از طریق عقد فاسد در دست گیرنده مال است به کلی از ارزش ساقط شود، مثل اینکه کسی یخ را تابستان گرفته باشد و زمستان به صاحبش برگرداند یا در بیابان خشک و بی آب از آب را بگیرند، اما در کنار رودخانه به او برگرداند به مقتضای آنچه در قاعده اتلاف است، ممکن است گفته شود که ظاهر قاعده اتلاف مال است نه اتلاف مالیت و انتقال مال از مکانی به مکان دیگر که این مال در آنجا ارزش و قیمتی ندارد. این ازاله مالیت آن است نه اتلاف عین مال. همچنین این گونه اتلاف مثل تبدیل کردن سرکه به خمر نیست؛ چون تبدیل کردن سرکه به خمر ازاله وصف سرکه است که در پی آن مالیت نیز از بین می رود. بنابراین ضمان به سبب ازاله وصف است نه به جهت ازاله مالیت. ولی اشکال این سخن آن است که وقتی ازاله وصفی که در مالیت مال دخیل است موجب ضمان گردد، فرقی میان صفات حقیقی و اعتباری و نسبی دخیل در مالیت وجود ندارد. بنابراین انتقال آب از بیابان خشک به کنار رود همانند ازاله وصف سرکه است که در قیمت آن دخیل است. از این رو مشمول قاعده اتلاف است، همچنان که نگه داشتن یخ در تابستان و تحویل دادن آن در زمستان به صاحبش ازاله و اتلاف وصف نسبی است که در ارزش مال دخیل است و باید گفت که همه اوصاف دخیل در مالیت، ضمان دارد نه خود مالیت.^۱

بنابراین در اسلام احکام عامی وجود دارد که با استفاده از آنها می توان مسائل جدید

را بررسی و تطبیق داد. مهمترین این اصول، اصل لاضرر می باشد. این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است.^۱ طبق این قاعده هیچکس نمی تواند فعالیتی که به زیان دیگری باشد انجام دهد و در صورتی که هر گونه زیانی از او به دیگری وارد شود، گر چه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد؛ ضامن جبران خسارت وارده شده است، حتی تمسک به اصل تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، تا زمانی امکان پذیر است که بین آن و قاعده لاضرر تعارضی به وجود نیاید در غیر این صورت، اصل لاضرر مرجح است

بر همین اساس، هر شخصی که با تولید یا مصرف خود باعث آلوده سازی محیط زیست شود؛ از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع یا نسل های آینده باشد؛ دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به احقاق حق آنان و جلوگیری از چنین عملی بپردازد.^۲

در اصل چهلم قانون اساسی نیز به این قاعده اشاره شده و در حقوق بین الملل نیز مفاد آن با تفاوت هایی وجود دارد.^۳

علاوه بر اصل لاضرر، موازین دیگری نیز وجود دارد که با استناد به آنها می توان مانع اجرای اعمالی شد که باعث تخریب و آلوده سازی محیط زیست می شوند بنابراین ثروت های عمومی مربوط به همگان هستند و لطمه زدن به آنها حتی در حکومت جور نیز جایز نیست. از این ثروت های عمومی و موهبت های طبیعت در اسلام به عنوان انفال یاد شده است.

یکی دیگر از این موازین امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم علاوه بر اینکه از همگان می خواهد عمل صالح انجام دهند؛ از مردم می خواهد که دیگران را نیز به عمل صالح و کارهای خوب امر کنند.

۲. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۶۳)، پیشین، ص ۱۵۶

۳. صادقی، حسین و فراهانی، سعید، (تابستان ۱۳۸۲)، محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، شماره ۱۰، ص ۴۳.

۴. تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۷۶)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران: نشر قومس، چاپ اول، ص ۶۸.

امر به معروف و نهی از منکر محدود به مسائل خاصی نیست بلکه یک فرهنگ سازنده و «سیاست جنایی مشارکتی» کارا در جامعه اسلامی است.^۱ از آنجا که یکی از منهیات مهم، لطمه زدن به ثروت های عمومی است؛ لذا باید از چنین اعمالی نهی و جلوگیری نمود و به تعبیر قرآن کریم از فتنه ای که تنها دامن ستمکاران را نمی گیرد، ترسید.

حکومت اسلامی و محیط زیست

بعضی از اموال و دارایی های موجود در کره زمین، وضعیتی خاص دارد؛ این اموال، دارایی و ثروت عمومی و موهبتی الهی برای همه مردم می باشد؛ در اسلام از این دارایی ها با عنوان انفال یاد می شود. مالکیت این اموال، شخصی نیست، بلکه در اختیار حاکم یا حکومت اسلامی قرار می گیرد تا با رعایت مصالح جامعه ی اسلامی و مردم مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا مالکیت امام و دولت اسلامی در این موارد به لحاظ منافع شخصی حاکم یا گروهی خاص نیست.^۲

انفال در مفهوم وسیع خود، یعنی تمام ثروت های طبیعی از قبیل جنگل ها و بیشه ها و حتی معادن، بنابر قولی و کلیه اراضی آزاد مانند زمین های موات و قله های کوه ها و قعر دره ها و ساحل دریاها و اموال منقول و غیرمنقول که مالک ندارند، مانند دارایی های بازمانده از شخصی که وارث ندارد و اموالی که مالکان، آنرا به هر دلیل رها کرده و رفته باشند و کلیه اموال پادشاهان کفر در سرزمین های فتح شده و اشیاء بی همتا، نفیس و قیمتی که در میان غنائم باشد.^۳

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از تعالیم عالیه اسلام به مسأله انفال و دارایی های عمومی توجه نموده است. به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، «انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و

۱. حاجی ده آبادی، محمد علی، (تابستان ۱۳۸۳)، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، فصلنامه فقه و حقوق، شماره اول، ۷۷-۱۰۶.

۲. میرحسینی، سیداحمد، (زمستان ۱۳۸۰)، «انفال و جایگاه آن در اسلام»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۰۷-۱۰۳.

۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۹ق)، تفسیر المیزان، انتشارات دارالکتب اسلامی، ج ۹، ص ۴۱.

سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید؛ تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».

مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی نیز بر مالکیت و تصرف دولت بر اموال عمومی بر اساس مصالح عمومی و منافع ملی اشاره دارد. بنابراین انفال در عصر غیبت در اختیار ولی فقیه و حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا نحوه صحیح استفاده عموم را از آنها تعیین کند و بهره برداری از آنها را تحت نظم خاصی در آورد؛ از این رو انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عمومی از آن بهره برداری کند.^۱

از سوی دیگر فراهم کردن زمینه رفاه عمومی از وظایف اصلی دولت است با توجه به اینکه داشتن محیط زیست سالم یکی از مؤلفه‌های برقراری رفاه در جامعه به شمار می‌رود این اصل را اقتضا می‌کند؛ تا با هر فعالیتی که به گونه‌ای، رفاه عمومی را مختل می‌سازد، برخورد شود؛ اصل ۴۸ قانون اساسی نیز بر این مسأله تأکید می‌کند. هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه منجر شود؛ ممنوع است. برای مثال با این که بهره برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده است، هر گاه بر اثر ازدیاد جمعیت و فراوانی استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی بیند و در نتیجه، نظام بهره برداری از آن مختل شود، این آزادی مشروع، محدود می‌شود. در ماده ۴۴ قانون اساسی ضمن برشمردن انواع مالکیت به این نکته اشاره شده است.

بنابر آنچه ذکر گردید؛ دولت جهت برقراری اصول فوق‌الذکر با رعایت مصلحت و در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب، باید به قانونگذاری و تحدید آزادی اشخاص پردازد، طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد تا زمینه بهره برداری بهینه، مدبرانه و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد.^۲

۲. شمس، احمد، (پاییز ۱۳۷۶)، نظام حقوقی اراضی ملی شد، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ص ۴۶ و تقی

زاده انصاری، همان، صص ۴۴-۴۳)

۱. صادقی و فراهانی، همان، ص ۴۴).

نتیجه گیری

ایجاد تحول در قوانین زیست محیطی و تغییر نگرش در محاکم رسیدگی کننده به دعاوی زیست محیطی ضروری به نظر می رسد و از نظر فقهی و حقوقی ظرفیت مساعد برای ایجاد این تحول وجود دارد.

با توجه به دیدگاه کلیدی دیگر اسلام که آخرت است، تمام اعمال به خود انسان باز می گردد و او نسبت به تمامی اعمالی که مرتکب شده مجازات می شود. او مجبور به حمایت از دستاوردهای حال برای آیندگان است. آخرت شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. تفکر قضاوت در مورد اعمال، او را از انجام برخی اعمال و خودخواهی دور نگه می دارد. نقش انسان، سروری او و مسئولیت او در برابر امانت، در قرآن آمده است و این تصمیم اوست که در این راه حرکت کند. اما سؤال اینجاست که با این همه هشدار در مورد رفتار انسان و نتیجه اعمال او تا چه حد امکان پذیرش خطر برای او باقی می ماند. انسان و نتیجه اعمال او تا چه حد امکان پذیرش خطر برای او باقی می ماند. انسان در جریان نقش خود در نظام کلی خلقت و شناخت سرشت انسانی خویش در عالم خلقت مفهوم پیدا می کند. بر اساس بررسی های انجام شده، احکام علمی محیط زیست در اسلام، دارای دو بعد فردی و حکومتی است که در بعد اول هر فرد از جامعه اسلامی، در برابر محیط زیست مسئول است. در بعد دوم، حفاظت از محیط زیست جنبه اجتماعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع است و بر اساس آن آحاد مختلف مردم به صورت شرعی به انجام وظیفه خویش در قبال محیط زیست مکلف هستند. بحران های زیست محیطی که ما امروزه با آنها روبرو می شویم در زمان کوتاهی به جایی می رسد که انسان مجبور است سؤالات مهمی از خود بپرسد. این سؤالات، دیگر تنها در زمینه ی میزان پیشرفت علم و در اختیار داشتن فناوری و اطلاعات نیست، بلکه در مورد سرشت انسانی، جوهره ی هستی و سرنوشت نهایی عالم هستی است.

در بحث از مبانی مسئولیت مدنی در فقه به این نتیجه می رسیم که مبنای مسئولیت مدنی در فقه «نظریه مسئولیت مطلق» است، که از قاعده لا ضرر ناشی می گردد. در بحث از مبنای مسئولیت مدنی در حقوق نیز به این نتیجه رسیدیم که هیچ کدام از نظریه های

مطروحه توان پاسخ‌گویی به خسارت‌های زیست‌محیطی را ندارد و جوهره قوانین ایران نیز حاکی از مسئولیت مطلق برای عامل زیان می‌باشد نه حاکی از مسئولیت مبتنی بر نظریه تقصیر و تصویب قانون جدید بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی بهترین شاهد بر این مدعی است. با توجه به موارد فوق، برنامه ریزی منسجم در جهت احیای فرهنگ اصیل اسلامی و توسعه احکام و تعالیم دینی در مورد نقش و اهمیت واقعی طبیعت، تفهیم مالکیت حقیقی خداوند بر همه اموال و منابع ملی، مذمت اسراف و تبذیر و ایجاد روحیه صرفه‌جویی، به خصوص در مورد منابع ملی، راهکاری است که می‌تواند جامعه ما را به سمت بهره‌وری معقول از منابع طبیعی هدایت نماید.

فهرست منابع

۱. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق کیفری محیط زیست، تهران: نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲. حاجی ده آبادی، محمد علی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، فصلنامه فقه و حقوق، شماره اول، ۱۳۸۳.
۳. آیه الله جوادی آملی، حجت الاسلام عباس رحیمیان، نشر اسراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۴. حر، عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: احیاء التراث العربی، جلد ۱، بی تا.
۵. رشاد، علی اکبر، نقش دین در دنیای نو، دین و دنیای معاصر، تهران: انتشارات المهدی، ۱۳۸۱.
۶. شمس، احمد، نظام حقوقی اراضی ملی شد، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۷. صادقی، حسین و فراهانی، سعید، محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، شماره ۱۰، ۱۳۸۲.
۸. ضیائی، بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۹. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، انتشارات دارالکتب اسلامی، ج ۹، ۱۳۷۹ق..
۱۰. عظیم، قوام، حمایت کیفری از محیط زیست، چاپ اول، (انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست)، ۱۳۸۵.
۱۱. کیس، الکساندر، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد ۱، ۱۳۷۹.
۱۲. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، انتشارات علوم اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۳. میرحسینی، سیداحمد، «انفال و جایگاه آن در اسلام»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره یازدهم، ۱۳۸۰.